

تخمیس دالیه المتنبی و تخمیس الحماسه الامیه للمعری -

علامه محمد صالح حائری مازندرانی، سید محمد حسینی لرگانی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دهم، شماره ۴۰ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، پاییز ۱۳۹۲، ص ۹۷ - ۱۱۸

تخمیس دالیه المتنبی و تخمیس الحماسه الامیه للمعری

علامه محمد صالح حائری مازندرانی

به کوشش: سید محمد حسینی لرگانی *

چکیده: این گفتار، حول محور چند قصیده عربی مانند قصیده دالیه سروده متنبی و لامیه معری است که شیخ محمد صالح حائری مازندرانی (متوفی ۱۳۹۱ هجری قمری) در مدح امام رضا (علیه السلام) تخمیس کرده است. متن اصلی این تخمیس‌ها در نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بوده که برای نخستین بار به چاپ می‌رسد. محقق در مقدمه، به شرح حال و آثار و جایگاه ویژه حائری مازندرانی در ادبیات عرب اشاره می‌کند.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام) - ادبیات عرب / متنبی - قصیده دالبه / معری - قصیده لامیه / حائری مازندرانی، صالح - اشعار عربی / ادبیات رضوی - قصاید عربی.

*. پژوهشگر، مؤسسه کتابشناسی شیعه، قم.

تخمیس دالیه المتنبی و تخمیس الحماسه اللامیه للمعرّی از آثار منظوم مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد صالح حائری مازندرانی (۱۲۹۸ - ۱۳۹۱ هـ.ق) است که در این مقاله به آن پرداخته‌ایم.

مؤلف کیست؟

مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد صالح حائری مازندرانی از خاندان علم و تقوا، به سال ۱۲۹۸ ق^۱ در کربلا متولد شد و از همان کودکی در محضر پدر و برادر دانشمند خویش تربیت شد. پدرش آیه الله میرزا فضل الله حائری مازندرانی از علماء کربلا و مادرش دختر مرحوم حاج ملا محمدیوسف استرآبادی صاحب رساله *صیغ العقود* می‌باشد.

به گفته خودش از خردسالی به تحصیل دانش پرداخت، آنهم به روش معمول آن زمان؛ اوّل فارسی و بعد قرآن، *امثله*، *شرح امثله*، *صرف میر و کبری*. سپس نحو و صرف و منطق عربی و *معنی* را نزد ملاّ عباس مشهور به اخفش یزدی و *مطول* را نزد ملا علی سیبویه آموخت. *شرح لمعه* را نزد پدر و *قوانین*، *رسائل*، *مکاسب*، *ریاض*، *اسفار*، *منظومه سبزواری* و *شرح مطالع* را نزد برادر خویش شیخ علی علامه تحصیل کرد بطوریکه این کتب را در ضمن تحصیل، تدریس هم می‌کرد. سپس ۱۲ سال در نجف اشرف در حوزه درس حضرات آیات آخوند خراسانی و میرزا حسین ابن میرزاخلیل تهرانی شرکت و به درجه اعلای اجتهاد رسید^۲.

۱. ماده تاریخ تولّد او را پدرش اینگونه می‌نویسد «*بالخلف الصالح قولوا مرحبا ۱۲۹*».

۲. به گفته برادرش شیخ علی علامه او در ۱۶ سالگی مجتهد بوده است.

او با تسلط بر ادبیات عرب و ذوق شعری خود در نظم فارسی و عربی بسیاری از کتبی را که درس گرفته به نظم در آورده است. قرآن را به نظم کشیده و دو دیوان شعر به نامهای دیوان الادب و بستان الادب دارد. بسیاری از اشعار وی به صورت خطی باقی مانده است و چاپ نشده است. تألیفات او در علوم مختلف بیش از ۳۰۰ عنوان می‌باشد.^۱

استاد محمدرضا حکیمی گوید:

علامه در ادبیات عرب نیز از اساتید مسلم بود و اطلاعاتی بسیار وسیع داشت و تألیفات و آثاری، از جمله قصیده بدیعیه، و شرحی بر آن، حاشیه‌ای بر «انوار الربیع»، و دیوانی به عربی. او به فارسی نیز شعر می‌گفت ولی در نظم عربی، قدرتی شگفتی زای داشت و یکی از نمونه‌های کم مانند ایرانیانی بود که شعر عربی را در حد بالا می‌سرایند. (ادبیات و تعهد در اسلام، محمدرضا حکیمی، ص ۲۰۹)

وی پس از سالها مجاهدت خستگی‌ناپذیر در عرصه تحصیل، تدریس، تحقیق، تألیف و تبلیغ - در حالی که بیش از ۹۰ سال از عمر شریفش می‌گذشت - در سال ۱۳۹۱ هـ.ق در سمنان به دیار باقی شتافت و در جوار حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام به خاک سپرده شد. رحمة الله علیهم اجمعین.

این رساله

علامه حائری در این رساله دو قصیده از دو شاعر مشهور عرب را تخمیس کرده است: یکی از متنبی (متوفی ۳۵۴) و دیگری از معری (متوفی ۴۴۹).

۱. در کتاب خدمتگزاران عالم کتاب چاپ آبان ۱۳۴۵ هم آمده است که بیش از ۵۰۰ عنوان است. آثار قلمی او همراه با کتابخانه نفییش وقف کتابخانه آستان قدس رضوی شده است. هرچند از کتابخانه ایشان در مدرسه بابل و سمنان کتب اندکی باقی مانده و در نزد بعضی از افراد شماری از دست نوشته‌ها هنوز هم باقی است.

موضوع اشعار:

موضوع این تخمیس، مدح حضرت زهرا سلام الله علیها می‌باشد که به درخواست برادرشان مرحوم محمدحسن برهانی نوشته‌اند و دارای ۴۸ بند می‌باشد. در ادامه تخمیس حماسه لامیه معری را آورده‌اند که ۳۱ بند دارد. سپس به مدح امام رضا علیه السلام می‌پردازند و در آخر در ۲ صفحه قصیده‌ای با عنوان شکریه آورده‌اند. ظاهراً علامه به بیماری چشم درد مبتلا شده و جهت درمان، متوسل به حضرات معصومین علیهم السلام شده و این اشعار را به آن حضرات تقدیم نمودند. طبق تاریخی که خود حضرت علامه در ابتدا و یا در انتهای اشعار قرار داده‌اند، تاریخ نوشتن اشعار ۱۳۶۱ - ۱۳۶۲ هـ ق می‌باشد. آنچه در این اشعار جلب نظر می‌کند، علاوه بر قدرت ادبی و واژگانی ناظم، اشاره‌های مکرر به مضامین‌روایی و تاریخی معتبر به طور بسیار فشرده و به بیان ادبی است که شرح و توضیح آن مجال دیگر می‌طلبد.

نسخه مورد استفاده:

این نسخه (تخمیس دالیه المتنبی و الحماسة اللامیه للمعری) از نسخه‌های موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران می‌باشد به شماره ۸۸۰۲ به خط نسخ متعلق به قرن ۱۴ و در ۲۵ برگ (فهرست دانشگاه ج ۱۷، ص ۲۲۴) که در تاریخ ۱۳۵۲/۰۸/۱۶ از ورثه مرحوم فروزانفر خریداری و به گنجینه نسخ خطی کتابخانه افزوده شد. از این اشعار با خط مؤلف، نسخه دیگری در کتابخانه آستان قدس رضوی از مجموعه عربی و فارسی جنگ و مجامیع به شماره ۱۱۳۸۸ موجود است.

این تخمیس بر اساس نسخه دانشگاه تصحیح شده و برای نخستین بار منتشر می‌شود.

تخميس دالية المتنبي

بسم الله الرحمن الرحيم

تخميس دالية المتنبي، أنشأتها في عيد الأضحى في مستشفى الشاه رضا في المشهد المقدس
الرضوي أرواحنا فداه (١٣٦١) متخلصاً إلى مناقب سيدنا البتول الزهراء سلام الله عليها حسب ما
اقترحه عليّ أخي الفاضل محمد حسن البرهاني كما شرحته في مقدّمة هذه المجموعة المسماة
بالأربعة المتناسبة:

(١) نقدٌ روحي لو راجَ بين النُّقُودِ عقدٌ جيدُ الرِّشَا وشِنْفُ الخُودِ

وَدَمِي حَلَّ بَيْنَ قَتْلِي الْخَرِيدِ (الخُرُودِ) كم قَتِيلٍ كما قَتَلْتُ شَهِيدِ

لبياض الطَّلَا ووردِ الخُودِ

(٢) عَلِقَ الْقَلْبُ فِي رَبَابِ عَيْنِ بين بانِ الجِرْعَى وماءِ مَعِينِ

وَعِرَاتِ الْوِشَاحِ لَا كَالْعُونِ وَعَيُونَ الْمَهَا وَلَا كُيُونِ

فَتَكَتِ بِالْمُتَبَسِّمِ المَعْمُودِ

(٣) يَا لَيْلٍ حَلَّتْ بِأَنعَمِ جِجَرِ لي وحوالي الدُّمَى يَحْرَ من هَجَرِ

وَبَخْدِي غَضَاضَةَ الْغُصْنِ تَجْرِي دَرَدَرُ الصَّبَا أَيَّامَ تَجْرِي

رَذْلُولِي بِدَاسِرِ أَثْلَةِ عُودِي

(٤) نَاهِدَاتِ الْتَدْيِ تَجْلُوْا صُدُورَا خَفِرَاتِ مَهْفَهَفَاتِ خُصُورَا

خَفَرًا مَدَّ حَوْلَهُنَّ خُدُورَا عَمَرَكَ اللَّهُ هَلْ رَأَيْتَ بُدُورَا

طَلَعَتْ فِي بَرَاقِعِ وَعُقُودِ

(٥) مَا لَذِي الْقَلْبِ مِنْ هَوَاهُنَّ مِنْ بُدٍّ مِنْ رَأَاهَا بِخَسِيسٍ لَهَا خَالِصِ الْوَدِّ

مَنْ زَنَتْهُ لَمْ يَمْلِكِ الْعُودُ لَوْ رَدَّ رَامِيَاتٍ بِأَسْهَمٍ رِيَشِهَا الْهَدِّ

بُ تَشْقُ الْقُلُوبَ قَبْلَ الْجُلُودِ

(٦) سَامَرْتَنِي بِمَكْرُمَاتِ الصِّفَاتِ سَمَرًا لَأَنَّ مِنْهُ قَلْبُ الصِّفَاةِ

مُقْبَلَاتٍ إِلَيَّ بِالْعَطَفَاتِ يَتَرَشَّفْنَ مِنْ فَمِي رَشَفَاتِ

هُنَّ فِيهِ حَلَاوَةُ التَّوْحِيدِ

(٧) الْعَوَالِي قُدُودُهَا تَتَوَسَّمُ وَ الْعَوَالِي شَدَا لَهَا هُنَّ تَشْتَمُّ

وَالرَّحِيقُ الْمُخْتَوَمُ مِنْهُمْ فِي الْفَمِ كُلُّ خُمَصَانَةٍ أَرَقَّ مِنَ الْخَمِ

- سر بقلبِ أفسى من الجلمودِ
 (٨) قاسيات على المِسيء بها الظنُّ
 (بيته) أو بعينٍ أخرى إلى الضفرا معن
 وعلى أصله بغارتها شفنٌ
 ذاتُ فرعٍ كأنما ضربَ العن
 سرُّ فيه بما وردٍ وعودِ
- (٩) زردنير في سداً منسوج
 تاللاً ليلاً خلال الحدوج
 علقه جوهراً غلاذ و مزوج
 حالك كالغدافِ جثل دجوجي
- (١٠) لو رأى مشطها الفؤادُ بحرٌ
 ظلٌ يستاف منه رياءً تسرى
 ودَّ فيه مقامه المستقرُّ
 تحملُ المسك عن غدائرها الرِّي
- ح وتتر عن شينب برودِ
 (١١) غنيت عن وبيص غالية الحقُّ
 فهي أعلى سل الذي شمَّ يصدقُ
 جمعت بين جسمٍ أحمد و السقِ
 م وبين الجفون والتسهيدي
- (١٢) أنا حكمتها لدنياً و دين
 ما أبالي إذا قطعن وتيني
 في الهوى عن بصيرة و يقين
 هذه مهجتي لديك لحين
 فانقصي من عذابها أو فزيدي
- (١٣) ولئن قصَّ أجنحي بالمقصِّ
 حبها حبه الفؤاد كقصِّ
 لست عن حبها أحل التفصِّي
 أصل ما بي من الضنى بطل ص
 د بتصفيف طرة و بجيد
- (١٤) أين ساقٍ مقرطقٌ بسامٌ
 وحلال منه اللما وانضمامٌ
 منه يسعى إلى الندامى المدامُ
 كل شيء من الدماء حرامُ
 شره ما خلا ابنة العنقودِ
- (١٥) فهوة في العظام دبت بحسِّ
 فاسع يا مهجتي أغلي بكأس
 غاص بالمسك مجتناها بغمس
 فأسقينها فداً لعينك نفسي
 من غزال وطارفي وتليدي
- (١٦) لست أفديك بي بلفظٍ مقول
 فند الكبد بأن تأبى عقولي



- ١٧) إِنَّ عِطْفِي بِحَلِيَةِ الصِّدْفِ حَالِي وَ دُمُوعِي عَلَى هَوَاكِ شَهُودِي
 فَاسْمَعْنِي مُخَاطَباً لَكَ حَالِي وَ فُؤَادِي عَنْ وَصْمَةِ الْغِشِّ خَالِي
 لَمْ تَرَوْ عَنِّي ثَلَاثَةً بِصُدُودٍ أَيُّ يَوْمٍ سَرَرْتَنِي بِوَصَالٍ
 ١٨) كُنْتُ قَدْماً فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ حَلًّا بَيْنَ غَزْلَانٍ أَجْرَعٍ وَ الْمُصَلَّى
 فَتَرَامِي بِي النَّوَى مُسْتَقِلاً مَا مَقَامِي بِأَرْضٍ نَخْلَةٍ إِلَّا
 كَمَقَامِ الْمَسِيحِ بَيْنَ الْيَهُودِ
 ١٩) مَا ارْتَضَتْ بَعْدُ نَجْدَتِي لِي مَسَاكِينُ لَا وَلَا مَا جِدًّا رَأَيْتُ أُسَاكِينُ
 لَيْسَ فِي الْأَرْضِ لِلسَّمَاءِ أَمَاكِنُ مَفْرَشِي صَهْوَةُ الْحِصَانِ وَلَكِنُ
 نَقَمِيصِي مَسْرُودَةٌ مِنْ جَدِيدٍ لَنْ فِي سَرْدِهَا قُوَى الْمُعْتَصِ
 ٢٠) كَمْ زُرُودٍ سَرَدْتُ بِالْإِخْلَاصِ لَامَةً فَاضِبَةً إِضَاةً دَلَاصِ
 فَتَنَادُوا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصِ أَحْكَمْتَ نَسَجَهَا يَدَا دَاوُدِ
 ٢١) وَلَقَدْ طَابَ عَيْشُ مَنْ ظَلَّ بِسَفْهِ وَتَرَى الْجَاهِلَ الْمُمَارِي يُرْفَهُ
 لَكِنَّ الْفَاضِلَ الْمُبَرِّزَ يُحِبُّهُ أَيْنَ فَضْلِي إِذَا قَنِعْتُ مِنَ اللَّهِ
 سَرِّ بَعِيشٍ مُعْجَلِ التَّنْكِيدِ
 ٢٢) جَاءَنِي الرِّزْقُ حَيْثُ كُنْتُ مَعَ الْعِزِّ خَ لَا كَمَنْ قَالَ وَ اجْتَدَا غَيْرَ مُلْغِزِ
 مَ لَمْ أَكُنْ لِلْمِلِّيِّ بِالْمُتَنَجِّزِ ضَاقَ صَدْرِي وَ طَالَ فِي طَلَبِ الرِّزِّ
 قِيَامِي وَ قَلَّ عَنْهُ قُعُودِي
 ٢٣) مَا كَفَاهُ الْكِفَافُ عَنْ سَحْبِ سَحْمٍ فَاصْطَلَى نَارَ مَلِكِ عَرَبٍ وَ عَجْمِ
 قَائِلاً بَعْدَ أَنْ هَجَاهُمْ بَرَجْمٍ أَبَدًا أَقْطَعَ الْبِلَادِ وَ نَجْمِي
 فِي نُحُوسٍ وَ هِمَّتِي فِي سُعُودِ
 ٢٤) وَ بَلَغَ الْأَرْزَاقُ قَدْ ضَمِنَ الرَّبُّ وَ الرِّضَا بِالضَّمَانِ لِلْحُرِّ أَنْجَبُ
 فَقُلْ الْآنَ قَوْلُ مَنْ لَا يَكْذِبُ وَ لَعَلِّي مُؤْمَلٌ بَعْضُ مَا أَبُ
 لُغٌ بِاللُّطْفِ مِنْ عَزِيزٍ حَيْمِدِ

(٢٥) هَلْ إِلَى اللَّهِ مِنْ سَمَا قَدْرُهُ حَطًّا
يَبْلُغُ اللَّهُ خَيْرَ مَا قِيلَ أَوْ خَطًّا
أَوْ أَعَاشَ الَّذِي اتَّقَى عَيْشَةَ الرُّطِّ
لِسَرِّي لِبَاسُهُ خَشِينُ الْقَطِّ

نَ وَ مَرَوِيٍّ مَرَوَ لِبَسَ الْقُرُودِ

(٢٦) كُلِّ إِلَى اللَّهِ كُلِّ أَمْرٍ تُقِيمُ
ثِقُ بِرَبِّ صِرَاطُهُ مُسْتَقِيمُ
وَ اصْطَبِرْ إِنْ دَهَكَ دَاهُ عَظِيمُ
عِشْ عَزِيزاً أَوْ مُتْ وَ أَنْتَ كَرِيمُ

بَيْنَ طَعَنَ الْقَنَا وَ خَفَقَ الْبُنُودِ

(٢٧) وَ قُلِ الْحَقَّ حَيْثُ أَحْيَى بِلَا عِيٍّ
امضِ بِالسَّلَامِ وَ الْوَعَى الرَّشْدَ لَا الْغِيَّ
وَ أَمَاتَ الضَّلَالُ أَوْ قَتَلَ الْحَيَّ
فَرْتُوسُ الرَّمَاحِ أَذْهَبَ لِلْغِيَّ

ظَا وَ أَشْفَى لِعِلِّ صَدْرِ حَقُودِ

(٢٨) لَا كَمَنْ إِنْ يَقُلْ فَغَيْرُ سَدِيدِ
لَا وَ لَا مَا بَنَيْتَ غَيْرُ مُشِيدِ
لَا وَ مَنْ إِنْ يَصُلْ فَغَيْرُ شَدِيدِ
لَا إِذَا مَا حَيَّيْتَ غَيْرَ سَعِيدِ

وَ إِذَا مُتَّ مُتَّ غَيْرَ فَقِيدِ

(٢٩) وَ انْتَصَبَ لِلْهَدَى وَلَوْ نَطَّتْ بِالْغُلِّ
وَلَكِنْ تَطَلَّبُ الْعُلَى وَ التَّطَوُّلُ
وَ حَمَاكَ الْمُرَاحِمُ وَ الضَّائِمُ اقْتُلْ
فَاطِلِبُ الْعِزِّ فِي لُظَى وَ دَعِ الدُّلَّ

لِ وَلَوْ كَانَ فِي جَنَانِ الْخُلُودِ

(٣٠) قِيمَةُ الْمَرْءِ أَنْ يُضَرَّ وَيَنْفَعُ
فَالْتَوَقَّى لَيْسَ الْمَنِيَّةُ يَدْفَعُ
بِخَفْضِ الْقَرْنِ وَ الْفَتَى الْخَلَّ يَرْفَعُ
يُقْتَلُ الْعَاجِزُ الْجَنَانُ وَقَدْ يَعِ

جِزُّ عَنْ قَطْعٍ بِخُنْقِ الْمَوْلُودِ

(٣١) مِنْ بِرِيَشِ الْجَنَاحِ يَجِثُّمُ فَرَحُ
لَا بَقِيَ التَّرَفُ الرَّفَاهُ الْمَرْخُ
إِنَّمَا الْمَجْدُ فَلَقُ بِيضٍ وَصَحُّ
وَيُوقَى الْفَتَى الْمَخْشُ وَقَدْ خُو

رَضَ فِي مَاءِ لُبَّةِ الصَّنْدِيدِ

(٣٢) كَتَبَ الْمَجْدُ فِي الْوَعَى وَهُوَ مَتْلُوٌّ
لَا بَقِيَ مُتَرَفّاً رَخَاءً وَ مَشْهُوٌّ
يَوْمٌ يَدْعُ الدَّاعِيَ فَلْبَاهُ مَدْعُوٌّ
وَ يُوْقَى الْفَتَى الْمَخْشُ وَقَدْ فُحُو

رَضَ فِي مَاءِ () الصَّنْدِيدِ

(٣٣) نَدَبَ الْمَجْدُ لِلْفَتَى الْمُنْدُوبِ
قُلْ لِمَجْدٍ قَدْ حَزَتْ غَيْرَ مَشُوبِ
قَالَ لَا تَغُلُّ فِي عَلَا الْمُنْسُوبِ
لَا بِقُومِي شَرِفْتُ بَلْ شَرُّفُوا بِي

- و بنفسی فخرتُ لا بجُدودی
(٣٤) کم یهم من یفرده الجمع قُصياً
وَعَن الْمُذْنِبِينَ بِالْعَفْوِ غَضاً
وَحِمَاهُمْ لَا زَالَ مَرّاً أَمْضاً
و بهم فخرُ کلّ من نطق الضّا
د وعودُ الجاني و غوثُ الطّريد
- (٣٥) إِنَّمَا الْفَضْلُ فِي ذَوِيهِ نَصِيبٌ
لَا تَلْمَنِي فَالْقَوْلُ صِدْقاً يَطِيبُ
إِنْ سَعَى ثُمَّ مُخْطِئٌ وَ مُصِيبٌ
إِنْ أَكُنْ مُعْجَباً فَعُجْبٌ عَجِيبٌ
لم یجد فوق نفسه من مَزيد
- (٣٦) أَنَا رَبِّ الْقَرِيبِ فِي الْأَكْنَفِ
مَنْ يُسَوِّي طَاوُسَهُ بِالْعَذَافِ
وَشَذَاهُ وَ عَنَبُ الْمُسْتَاغِ
أَنَا تَرَبُّ النَّدَا وَرَتُّ الْقَوَافِ
وَسِهَامُ الْعِدَا وَ غِيْظُ الْحُسُودِ
- (٣٧) وَفَرَاتُ الصَّادِينَ نَهْلاً وَعَلَا
أَنَا مِنْ لَمْ أَزَلْ عَلَى الْخَيْرِ دَلّاً
و الْمُحَامِي لِمَنْ تَزَكَّى وَصَلَّى
أَنَا فِي أُمَّةٍ تَدَارِكُهَا اللَّـلَّ
ه غريبٌ كصالحٍ في ثَمُودٍ
- (٣٨) طَابَ خَتَمًا قَصِيدَةُ الْمُتَنَبِّي
خَمْسَتُهُ قَرِيحَةُ الْمُتَنَبِّي
وَ خِتَامُ الْقَصِيدِ بِاسْمِ نَبِيٍّ
وَهُوَ شَيْخٌ لِمَثَلِ ذَا مِثَالِي
صالحٌ مع محمد المحمود
- (٣٩) وَبِهِ وَالْدَايِ قَدْ سَمَّيَانِي
فَاطِمَةُ الْأُمِّ خُلْدَا فِي الْجَنَانِ
ذَاكَ فَضْلُ اللَّهِ الَّذِي آتَانِي
أُمَّةُ الطَّهْرِ خَيْرَةُ النِّسْوَانِ
بِنْتُ خَيْرِ الْوَرَى الْحَمِيدِ الْمَجِيدِ
- (٤٠) إِنَّمَا سُمِّيتُ بِهَا حَيْثُ يُعْظَمُ
يَا لَهَا مِنْ عَلِيمَةٍ لَمْ تُعْلَمْ
يُولَاهَا شَيْعُهَا عَنْ جَهَنَّمَ
زَوْجٌ مِنْ فَضْلِهِ عَنِ الْوَصْفِ أَعْظَمُ
أَمْ سَبْطِي رَسُولُ رَبِّ وَدُودِ
- (٤١) رَبَّةُ الْفَضْلِ وَ الْهُدَى وَ الصَّوَابِ
تَعَبُدُ اللَّهَ عَنْ خُلُوصِ اللَّبَابِ
وَ التَّقَى وَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْحِسَابِ
زَاهِرًا نُورُهَا عَلَى الْمِحْرَابِ
لِلسَّمَاءِ كَالنَّجُومِ ذَاتِ الْوَقُودِ
- (٤٢) لَمْ تَرَ الرُّسُلَ فِي بُيُوتِ هُدَاهَا
مِلْهَا فَالْنُفُوسُ طَرّاً فِدَاهَا

يا لدين الإسلام كيف رضاها
عن ذويه إذ يلتقون الله
فهي في الناس حجة المعبود
(٤٣) هل سمعتم بخطبة الزهراء
خلف ستر محفوفة بالنساء
في اجتماع الأشراف و الأمراء

و موالى رجالهم و العبيد
(٤٤) كيف أحيت قواعد الدين طراً
وآبانت حقائق الآي غراً
وَحَقَّتْ لِلْحَقِّ حِلْوًا وَمَرًّا
ذاك سُخْنٌ عِيًّا وَ آخِرُ قَرًّا

بالبلاغ المحيي المُميت النضيد
(٤٥) من وعّاها بأذن قلب سَمِيعاً
شاهد أن حَقَّهَا قَدْ أُضِيعاً
ما نَهَاهُمْ لَوْ أَمَرُهَا قَدْ أُطِيعاً
أَوْ دَهَاهُمْ لَوْ شَبَّلَهَا مَا أُجِيعاً
هذه حيرة الفؤاد المصيد

(٤٦) سَبَقَتْ مَرِيماً وَ أَسَى وَ حَوًّا
سَادَتِ الْعَالَمِينَ وَ اللَّهُ سَوَى
مُكْرَمَاتٍ بِهَا هُدَاهَا تَقَوًّا
عُنْصُرُ الْحُورِ فِي قُؤَاهَا وَ قَوَى

بولاها التقوى برغم الكنود
(٤٧) هَذِهِ مِدْحَتِي وَ نَفْثَةُ صَدْرِي
و هي سَقَمِي الَّذِي أَفَاسِيهِ بَدْرِي
لِلْبَتُولِ الْحَوْرَاءِ أَضْوَاءَ بَدْرِ
وشفائي مُعْجَلاً مَقْصُودِي

(٤٨) رَحِمَ اللَّهُ وَالِدِيَّ وَحَيًّا
حَسَنَ الْمُجْتَبَى أَخِي اللَّهَ هَيَّا
و عَلِيًّا وَ أَحْمَدًا أَخَوِيَّا
مِرْفَقًا فِي شُؤْنِهِ طَابَ رِيَّا
فِي بَسَارٍ وَ خَفَضَ عَيْشٍ رَغِيد

تم بحمد الله و فضله، و صَلَّى الله على الزهراء و أبيها و بعلمها و بنبيها عدد ما في علمه، في
مستشفى الشاه رضا في المشهد المقدس الرضوي أرواحنا فداه، في أول أيام البيض ثالث عشر ذي
الحجة الحرام من عام (١٣٦١هـ) بإنشاء الأقل الحائري المازندراني محمد صالح بن فضل الله
الشهير بالعلامة.

الطوسية الخامسة تخميس حماسة المعري اللامية المعروفة و هي خاتمة الرحلة الطوسية

- (١) تَلَفْتُ مِنْ رَوْضِ الْمَعْرِ مَائِلُ إِلَيَّ رَشَاءً فِي بَزَّةِ الْفَخْرِ مَائِلُ
أَقُولُ لَهُ وَ الْمَجْدُ عَنِّي بِسَائِلُ أَلَا فِي سَبِيلِ الْمَجْدِ مَا أَنَا فَاعِلُ
عَفَافٌ وَ إِقْدَامٌ وَ مَجْدٌ وَ نَائِلُ
- (٢) غَرَائِزُ دَرَّتْ مِنْ عَيُونِ صَفِيَّةٍ فَسِرَ أَمْنًا فِي ظِلِّ نَفْسِ أَبِيَّةٍ
بَارِعَ قَدْ أَلُوتَ بِكُلِّ ذَنِيَّةٍ أَعْنَدِي وَقَدْ مَارَسْتُ كُلَّ خَفِيَّةٍ
يُصَدِّقُ وَاشِي أَوْ يُخَيِّبُ سَائِلُ
- (٣) وَلِي جَوْهَرٌ فَرْدٌ وَلَكِنْ مَبْعُضُ فَخَفَّفَ جَوَى ظَهْرِي بِهِ الْيَوْمَ مُنْقَضُ
وَقُلْ لِلَّذِي عَنْ وَجْهِ فَضْلِي مُعْرِضُ أَقْلُ صُدُودِي أَنَّنِي لَكَ مُبْغِضُ
وَ أَيْسَرُ هَجْرِي أَنَّنِي عَنْكَ رَاحِلُ
- (٤) صَحْبَتُكُمْ دَهْرًا فَأَصْبَحْتُ زَيْنَكُمْ وَ زَانَكُمْ فَضْلِي فَمَا زَجَ شَيْنَكُمْ
فَشُكْرًا لِعَيْنِي حَيْثُ لَمْ تَرَ عَيْنَكُمْ إِذَا هَبَّتِ النَّكْبَاءُ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ
فَأَهْوَنُ شَيْءٍ مَا تَقُولُ الْعَوَائِلُ
- (٥) وَمَذُ طَلَّتِ الذَّرَاتُ ثَارَتْ مُثِيرَةً لَقَدْ كَانَ أَجْزَائِي لَهُنَّ أَثِيرَةً
فَكَيْفَ وَلِي حَبْكُ الْمَعَالِي وَثِيرَةً تُعَدُّ ذُنُوبِي عِنْدَ قَوْمٍ كَثِيرَةً
لَا ذَنْبَ لِي إِلَّا الْعُلَى وَ الْفَضَائِلُ
- (٦) طَوْتُ فِكْرَتِي حَزْنَ الْبَسِيطِ وَ سَهْلَهُ رَوْتُ فِطْرَتِي عَلَ الْمَحِيطِ وَنَهْلَهُ
وَفِي الذَّرِّ عِلْمِي سَامَ بِالْخَسْفِ جَهْلَهُ كَأَنِّي إِذَا طَلْتُ الزَّمَانَ وَأَهْلَهُ
رَجَعْتُ وَ عِنْدِي لِلْأَنَامِ طَوَائِلُ
- (٧) لَقَدْ ذَهَبَ الْمُؤَفُّونَ إِلَّا أَقْلَهُمْ وَلَمْ يَبْقَ إِلَّا النَّاكِثُونَ فَمَلَهُمْ
فَقَاوَمُ فَضْلِي غِلَهُمْ ثُمَّ غَلَهُمْ وَقَدْ سَارَ ذِكْرِي فِي الْبِلَادِ فَمَنْ لَهُمْ
بِإِخْفَاءِ شَمْسِ ضَوْئِهَا مُتَكَامِلُ
- (٨) إِذَا مَا دَهَى الْحَلْيِ الَّتِي تَتَغَيَّرُ فَمُعْصُوبُ الْأَيَّامِ عِنْدِي مُبْسِرُ
وَ إِنِّي عَلَى السُّحْبِ الثَّقَالِ مُصِيطَرُ بِهِمُ اللَّيَالِي بَعْضُ مَا أَنَا مُضْمِرُ
وَيَتَقَلُّ رَضْوَى دُونِ مَا أَنَا حَامِلُ

(٩) رَأَيْتُ بَعِينِي حِينَ تَغْضَى عَيَانَهُ
وَصُنْتُ سَدِيمَ الْكُونِ ثُمَّ صَوَانَهُ
وَقَلَّبْتُ عَنْ كَيْنُونِ دَهْرِي كَيَانَهُ
وَأَنِّي وَ إِن كُنْتُ الْأَخِيرَ زَمَانَهُ

لَا تِ بِمَا لَمْ تَسْتَطِعْهُ الْأَوَائِلُ

(١٠) وَ أَقْضَى وَلَوْ كُلُّ الْأَنَامِ غَوَارِمُ
وَأَغْضَى وَ بِالْعَيْنِ النَّبَالَ نَوَاجِمُ
وَأَمْضَى وَفِي وَجْهِي الرِّمَاحُ قَوَائِمُ
وَأَعْدُو وَلَوْ أَنَّ الصَّبَاحَ صَوَارِمُ

وَ أَسْرِي وَلَوْ أَنَّ الظَّلَامَ جَحَافِلُ

(١١) حِفَاطِي مَرُّ لَيْسَ يَحْلُو طَعَامُهُ
وَزَنْدِي ضِرَامُ السَّقَطِ أَوْرى اضْطِرَامُهُ
وَعَزَمِي جَمْرٌ لَيْسَ يُطْفِئُ ضِرَامُهُ
وَأَنِّي جَوَادٌ لَمْ يَحِلَّ لِجَامُهُ

وَنَضُو يَمَانٍ أَغْفَلَتْهُ الصِّيَاقِلُ

(١٢) فَإِمَّا انْتَضَيْتُ الْعِضْبَ سَلِّ مَنْ يَقْلُهُ
وَأِذَا مَا أَحْبَبْتَ (اجْتَبَيْتَ) الرِّثَ هَلْ مِنْ يَحْلُهُ
وَمَهْمَا اسْتَوَيْتُ الْعَرْشَ قُلْ مِنْ يَثْلُهُ
وَإِنْ كَانَ فِي لَبْسِ الْفَتَى شَرَفٌ لَهُ

فَمَا السَّيْفُ إِلَّا غِمْدُهُ وَ الْحِمَائِلُ

(١٣) وَلِي نَبَأٌ مِثْلِي نَبِيٍّ وَ مُرْسَلُ
وَلِي قَلَمٌ مُسْتَخْدِمٌ أَلْفَ أَنْمَلُ
وَلِي صُحُفٌ نَحْوَ الْكِتَابِ الْمُنْزَلُ
وَلِي مَنْطِقٌ لَمْ يَرْضَ لِي كُنْهُ مَنْزِلِي

عَلَى أَنَّنِي بَيْنَ السَّمَائِينَ نَازِلُ

(١٤) لَئِنْ قُمْتُ يَوْمًا فِي مُقَامَةِ أَحْمَدُ
وَأَنْ سُدْتُ سُدَّتِ الْقَوْمَ بِالْعِلْمِ وَ الْيَدِ
فَدُونَ مَقَامِي فَرَقْدُ فَوْقَ فَرَقْدُ
لَدَى مَوْطِنٍ يَشْتَاقُهُ كُلُّ سَيِّمٍ (سَيِّدُ)

وَيَقْصُرُ عَنْ إدْرَاكِهِ الْمُتَنَاوِلُ

(١٥) إِذَا رَكِبَ السُّلْطَانُ لَمْ أَرْضَ مَاشِيًا
وَ لَكِنِّي جَامِلْتُ قَوْمًا مُمَاشِيًا
وَلَوْ غَلَبَ الشَّيْطَانُ لَمْ أَكُ خَاشِيًا
وَلَمَّا رَأَيْتُ الْجَهْلَ فِي النَّاسِ فَاشِيًا

تَجَاهَلْتُ حَتَّى ظُنَّ إِنِّي جَاهِلُ

(١٦) وَكَمْ كَانَ فِي الْأَدْوَارِ عَنِّي فَاحِصُ
وَمِنْ عَجَبٍ كَمْ سَيِّمٍ بِالْغَشِّ خَالِصُ
فَإِذَا قَازِفِي بِالذَّنْبِ ذَلِكَ مَاحِصُ
فَوَا عَجَبًا كَمْ يَدْعِي الْفَضْلَ نَاقِصُ

وَ وَأَسْفَا كَمْ يُظْهِرُ النِّقْصَ كَامِلُ

(١٧) وَ سَيَّانَ عِنْدِي لَا بَتَا طَبَقَاتِهَا
فَسَلَّ هَلْ نَجَى شَخْصَانٍ مِنْ خُطُوتِهَا
بِمَعْدَنِهَا أَوْ حَيِّهَا وَنَبَاتِهَا
وَ كَيْفَ يَنَامُ فِي وَكُنَاتِهَا

وَقَدْ نَصِبْتُ لِلْفَرَقْدِينَ الْحَبَائِلُ

(١٨) تَوْنَبُ قَلْبِي كَيْفَ فِي كُدْرِهَا صَفَا وَتَسْطُوْ عَلَى طَرْفِي إِذَا عَفَّ أَوْ عَفَا
وَلَمْ تَدْرِ أَنِّي مَاجِدُ الْجَهْرِ وَالْخَفَا يُنَافِسُ يَوْي فِي أَمْسِي تَشْرُفَا
وَتَحْسُدُ أُسْحَارِي عَلَيَّ الْأَصَائِلُ

(١٩) وَجَرَّبْتُ دَهْرِي فِي ثَنَاهُ وَقَرَفِهِ وَأَغْضَيْتُ عَنْهُ بَيْنَ أَسْهُمِ طَرْفِهِ
تَلَمَّسْتُهُ حَتَّى قَرَارَةِ ظَرْفِهِ وَطَالَ اعْتِرَافِي بِالزَّمَانِ وَ صَرْفِهِ
وَلَسْتُ أَبَالِي مَنْ تَعُولُ الْعَوَائِلُ

(٢٠) وَنَقَبْتُ عَنْ مَكْنُونِهِ الْمُتَقَلَّبِ فَلَمْ أَبْقِ بَعْدِي مُورِدًا لِلْمُنْقَبِ
فَمَا هُوَ إِلَّا لِلنَّوَى لَا التَّقَرُّبِ فَلَوْ بَانَ عَضْدِي مَا تَأَسَّفَ مَنَكِبِي
وَلَوْ مَاتَ زَنْدِي مَا بَكَتَهُ الْأَنَامِلُ

(٢١) أَيْنَكُرُ وَرَدَ الْكَوْثَرُ الْعَذْبُ صَادِرُ وَمَعْدِلُ كَسْرَى قَاسِطُ أَوْ مَكَاشِرُ
كَذَلِكَ بِالْإِعْرَاضِ تَفْنَى الْجَوَاهِرُ إِذَا وَصَفَ الطَّائِي بِالْبُخْلِ مَائِرُ
وَعَيَّرَ قُسًا بِأَلْهَاهَةِ بَاقِلُ

(٢٢) تُسَامُ بِزَيْفٍ سَكَّةٌ صَيْرْفِيَّةٌ وَجَذَبَ الْبُرَى رَبَّاتُ خِدْرِ صَفِيَّةٌ
وَقِيلَ غَضًا الْجَرَعَى طُبًّا مَشْرِفِيَّةٌ وَقَالَ السُّهَى لِلشَّمْسِ أَنْتِ خَفِيَّةٌ
وَقَالَ الدُّجَى يَا صُبْحُ لَوْنُكَ حَائِلُ

(٢٣) إِذَا الدَّهْرُ أَبْدَى لِلْفَقِيهِ كَرَاهَةً وَأَعْطَى عَلَى النَّاسِ السَّفِيهِ نَبَاهَةً
وَأَسَدَى إِلَى الْوَجْهِ الْقَبِيحِ وَجَاهَةً وَطَاوَلَتْ الْأَرْضُ السَّمَاءَ سَفَاهَةً
وَفَاخَرَتِ الشُّهْبُ الْحَصَى وَالْجَنَادِلُ

(٢٤) فَإِذْ لَمْ يَكُنْ لِلْحَرِّ فِي الدَّهْرِ قِيَمَةٌ وَلِلْحَرِّ فِي الْكَوْنَيْنِ نَفْسٌ كَرِيَمَةٌ
فَمَوْتُ الْفَتَى خَيْرٌ وَنُعْمَى عَظِيَمَةٌ فَيَا مَوْتَ زُرْ إِنَّ الْحَيَاةَ ذَمِيَمَةٌ
وَيَا نَفْسُ جِدِّي إِنَّ دَهْرَكَ هَازِلُ

(٢٥) سَأَصْرِفُ عَنْكُمْ وَجْهَ رَجُلِي (رَحْلِي) تَشْرُفَا فَلَنْ تَجِدُوا لِلْخَيْلِ وَالْخَيْرِ مَوْقِفَا
فِيَالَيْلَةَ الزُّورَاءِ ذُوبِي تَلْهُفَا وَقَدْ اغْتَدِي وَاللَّيْلُ يَبْكِي تَأْسَفَا
عَلَى نَفْسِهِ وَالنَّجْمُ فِي الْغَرْبِ مَائِلُ

(٢٦) وَقُلْ لِلَّذِي يَبْغِي خِلَافَ الَّذِي اقْتَدَى تَزُودُ لِأُخْرَى مِثْلَهَا فَكَانَ قَدْ

- فمن لي من الجرد الشوارب في غد
بريح أُعيرت حافراً من زبرجد
لها التبر جسمٌ و اللجين خلاخل
ولا حندس الموماء واليم خانها
(٢٧) و عين لها نجلاء لا الكحل زانها
حصان بود ابرق في السير كأنها
تخب بسر جي مرة و تناقل
(٢٨) ويسبقها حتى إذا ما تعرضت
فلا الماء يثني عزمها من وجأ قصت
إذا اشتاقت الخيل المناهل واعرضت
عن الماء فاشتاقت إليها المناهل
(٢٩) فيا أيها الليل الطويل دجوه
كحبل بعيني طال فيها عتوه
فمن لي بإصباح يسر دنوه
وليلان حال بالكواكب جوه
(٣٠) وآخر من حلي الكواكب عاطل
وطال للمم التحس والدم حوزة
تفلق بصبح شق كالعين لزه
وليلان حال بالكواكب جوزه
وآخر من حلي الكواكب عاطل
(٣١) يشق دجاه صادق لا مفند
كأبيض يجري فيه (منه) روح مجرد
كان دجاه الهجر والصبح موعد
بوصل وضوء الفجر خب (صب) مماطل
تم هنا تخميس حماسة المعري ومنها انتقلنا إلى مديح الرضا عليه السلام
(١) ألا أيها الشادي بما أنا قائل
ترنم فما سمعي فديتك ناكل
لک الله من ذي خلّة لي يشاكل
تسير به سيارة و هياكل
الى الله فيما ادعي أنا واكل
(٢) وأنبات عن نفسي بما قد ملكتها
مباهاة صديق كاللجين سبكتها
وعن سبل المجد التي قد سلكتها
معالي قد مارسها وحبكتها
وقد شهدت لي أن ما قلت حاصل
(٣) و كل الذي باهيت فيه بملكه
وعقد جمان نطت منه بسلكه
وما قد مرست الدهر منه بعلكه
ومن فلك سيرت فيه وفلكه

- سِمَاحُ امْرِئٍ قَدْ فَضَّلْتَهُ الْاَفْاضِلُ
 (٤) هُمَامٌ فَقَدْنَا فِي الْمَعَالِي مِثَالَهُ
 وَلَوْ حَطَّ فَوْقَ الْفَرَقْدِينَ اَثَالَهُ
 وَدُوْهُ نَجْدَةٌ ذُو النَّجْدَتَيْنِ جَنَى لَهُ
 وَبِثَّ ثَوَى الْمُثْرِى نَدَاً وَاثَالَهُ
 وَعَنْهُ نِضَارُ الْاَرْضِ السَّيْلِ مَائِلُ
 (٥) فَتَى يَثْرِبِي مِندَبِي سَمِيدُ
 اَعَزُّ اَسِيْلُ الْخَدِّ اَحْمَرُ اَنْصَعُ
 اُسْمُ رَحِيْبُ الصَّدْرِ وَالْدَّارِ اَرَوُّ
 خِضْمٌ كَبِيرُ الْقَدْرِ فَرْمٌ حُلَّاحِلُ
 (٦) اِذَا جَادَ فَالدُّنْيَا دَنِيٌّ (قَلِيلُ) بَعِيْنِهِ
 وَانْ اَعُوْزَتْهُ عَدَاهُ بَعْضُ دِيْنِهِ
 وَانْ اَعُوْزَتْهُ عَدَاهُ بَعْضُ دِيْنِهِ
 حَوَى السَّحْبُ ثِقْلَى بَرِّهِ وَ الْكُوَاهِلُ
 (٧) وَمَنْ يُعْطِ رُوْحَ الْمَجْدِ وَالْفَضْلِ فَاِضِلَا
 فَمَا قَدَّرُ بِذَلِ الْمَالِ بَرًّا وَطَائِلَا
 فَمَالٌ جَمًّا بِذَلِ النَّفْسِ بَاذِلُ
 (٨) لَقَدْ سَارَتْ الرُّكْبَانُ حَقًّا بِجُودِهِ
 وَدَانٍ وَنَاءً عَنِ مَقَامَةِ سُودِهِ
 لِمَنْ سَالَهُ اَوْ لَمْ يَسَلْ وَوُفُوْدِهِ
 وَمَنْ صَدَّ عَنْهُ اَوْ قَلَا وَ وُدُوْدِهِ
 وَذَا كُلُّهُ نَزَرُ لَدِيْهِ قَلَائِلُ
 (٩) رَأَى الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا لَهُ وَلِنَجَلِهِ
 وَكَو سَأَلَ اللّٰهَ الدُّنْيَا مِلًّا سَجَلِهِ
 وَفِي خَفَقِ بِنْدِ الرُّكْبِ اَوْ صَفَقِ رَجُلٍ
 اَحَالَ جِبَالَ الدَّهْرِ (الْاَرْضُ) تَبْرًا لِاَجَلِهِ
 وَكَانَ لَدِيْهِ مُسَجَّلًا وَ هُوَ سَاجِلُ
 (١٠) وَمَنْ مَلَّكَ السَّبْعَ السَّمَاوَاتِ طُرَّهَا
 وَمَا قَدْ حَوَتْهَا نَفْعُهَا ثُمَّ ضَرَّهَا
 وَسَبْعًا مِنَ الْاَرْضِيْنَ بَحْرًا وَبَرَّهَا
 وَاحْصَى مُحِيْطًا خَيْرَهَا ثُمَّ شَرَّهَا
 فَهَلْ هُوَ لِلْمَكِّ الْمُعْجَلِ قَابِلُ
 (١١) وَفِي زُهْدِهِ قَدْ كَانَ اَفْضَلَ صَاحِبِ
 وَقَدْ خَطَّ فِي دِيْنَارِهِ دُونَ كَاتِبِ
 فَعَقَبَى لِرُهْبَانٍ وَ دُنْيَاً لِرَاغِبِ
 اِلَّا اِنَّمَا الدُّنْيَا كُنْزِلِ رَاكِبِ
 اَنَاخَ عَشِيًّا وَهُوَ فِي الصُّبْحِ رَاكِحُ
 (١٢) وَقَدْ قَالَهَا مِنْ قَبْلُ مَنْ طَلَّقَ الدُّنْيَا
 ثَلَاثًا بِلا رَجْعٍ وَانْ قَدْ تَمَكَّنَا

فَمَا غَرَّهُ بَيْضٌ وَصَفَرٌ وَلَا مَنَى
وَذَا أُسْوَةٌ كَانَتْ لَهُ وَلِمَنْ عَنِ
سَوْءٍ لَهُ مَا زَالَ أَوْ مَا يُزَاوِلُ

(١٣) وَمَنْ قَلَبَ الدُّنْيَا لِظَهْرِ بَطُونِهَا
دَرَى شَأْنَهُ لَا يَسْتَوِي وَ شُؤْنِهَا
وَلَا سَاعَةً مِنْ قَرْنِهِ وَ قُرُونِهَا
فَقِيَمَتُهَا مِنْهُ هَبَاءٌ وَ دُونِهَا

وَ عَفْطَةٌ عَنَزٍ أَوْ رَوَالٌ وَ رَامِلٌ
(١٤) فَمَنْ لِلْحَصَى سَاوَى (سَوَى) بِدَرٍّ مُنْضَدٍّ
وَقَالَ الْعَصَا مَاضٍ كَسِيفٍ مَهْدِدٍ
وَتُرَبِّ الْفَلَا بِعَقْلِ مُجَرَّدٍ
أَوْ الزَّبَدِ الْجَافِي بِقَلْبٍ وَمَعْذُودٍ

وَ قَالَ لَسَعْفُ النَّخْلِ أَسْمَرُ ذَابِلٌ
(١٥) بَلَى كَمْ مِنَ الْإِنْسَانِ مَنْ يَتَكَلَّمُ
وَلَكِنَّهُمْ مِنْهُمْ فَصِيحٌ وَأَعْجَمٌ
وَمَا كُلُّ طَيْرٍ شَادِيًّا يَتَرَنَّمُ
وَلَا كُلُّ شَادٍ مُطْرَبٌ أَوْ مُيْتَمٌ

وَهَلْ تَسْتَوِي غِرَابُهَا وَ الْعِنَادِلُ
(١٦) وَلَا تَسْتَوِي الْأَلْفَاظُ حَتَّى مِلَاحِهَا
كَذَاكَ الْمَعَانِي لَا تُسَاوِي صِحَاحِهَا
وَلَيْسَتْ سَوَى تَرْصِيعِهَا وَ وَشَاحِهَا
وَمَنْ قَوْلُهُ الْفَصْلُ الْمُهِيمُنُ فَاصِلٌ

(١٧) وَلَا كُلُّ مَنْ بِالضَّادِ يُطَبِّقُ مُخْطَبٌ
وَلَا كُلُّ مَنْ حَازَ الْخِطَابَةَ مُعْجَبٌ
وَلَا الْمُعْجَبُ الْحَادِي يَهْزُ وَ يُطْرَبُ
وَلَا الْمُطْرَبُ الشَّادِي الْقُلُوبَ (يُعْذَبُ)

وَلَا مَلَكَتْهَا كَالْعَبِيدِ الْخِصَائِلُ
(١٨) فَإِنْ مَلَكَتْهَا ثُمَّ جَاسَ خِلَالِهَا
لَهُ قَدْ خَلَّتْ عَنْ غَيْرِهِ وَخِلَالِهَا
خِلَالًا لَهُ كَانَتْ وَ كَانَ خِلَالِهَا
بِهَا الْحُسْنُ وَالْإِحْسَانُ قَدْ دَخَلَا

فَقَدْ يَطْرُقُهَا بِالشُّكُوكِ الدَّخَائِلُ
(١٩) فَيَرْتَدُّ بِالْأَهْوَاءِ يَوْمًا كِلَاهُمَا
عَنِ الدِّينِ زَيْغًا وَ الضَّلَالُ مَلَاهُمَا
فَلَا الْحَقُّ يَدْنُو مِنْهُمَا لَا وَلَا هُمَا
لِمَا قَلْبَا رَبِّ الْهَدَى فَقَلَاهُمَا

إِلَى مِثْلِ ذَا أَمْرِ الْمُخَادِعِ آتِلٌ
(٢٠) وَلَكِنْ رَبِّيًّا عَلَا وَتَقَدَّسَا
وَعَنْصَرَهُ نُورُ أَتَمِّ لِيَقْبَسَا
إِذَا اتَّخَذَ الصَّدْرُ الْمُتِمِّمَ مَدْرَسَا
أَبَى اللَّهُ حَتَّى الْمَوْتِ فِيهِ الْمَوْسُوسَا

وَقَدْ طَابَ مَحْمُولُ النِّجَاحِ وَحَامِلُ

- (٢١) فَذَا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ خَيْرٌ عِبَادِهِ وَلَوْلَا هِ الْمَعْمُودِ أَقْوَى عِمَادِهِ
فَلَا هُوَ يَلُوى جِيدُهُ عَنْ قِيَادِهِ وَلَا ذَاكَ يُغْضِي عَنْ نَجَاحِ مُرَادِهِ
فَهَذَا امْرَأٌ لِلْأَمْرِ أَهْلٌ وَ أَهْلٌ
- (٢٢) عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى الْخَيْرِ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا إِمَامٌ بِمِرِّ الْحَقِّ وَ الْعَدْلِ قَدْ قَضَى
سَلِيلُ الْأَوَّلَى رَبُّ الْعَالِي لَهُمْ ارْتَضَى خَضَارِمَةٌ غُرٌّ جَاحِجَةٌ وَضَا
بِهِمْ هَتَمُهُمْ هَانَ الْخُطُوبِ الْجَلَائِلُ
- (٢٣) مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْعَامِلِينَ بِأَمْرِهِ فَمَا مِنْهُمْ مِنْ هَانَ عَنْهُ لِعَمْرِهِ
فَطَهَّرَهُمْ مِنْ كُلِّ رَجْسٍ وَ غَمْرِهِ وَنُصِبَ وَ أَزْلَامٍ وَ قَمَرٍ وَ خَمْرِهِ
جِيُوبُهُمْ طَابَتْ وَطَابَ الْغَلَائِلُ
- (٢٤) فَلِلَّهِ أَصْلَابٌ كِرَامٌ عَقْدَنَهُ وَوُلْدٌ بِأَصْدَافِ اللَّتَالِي نَضَدَنَهُ
وَمَنْ سَكَنُوا السَّبْعَ الْعَوَالِي حَمَدَهُمْ لَهَنَ حِسَانُ الْخُلْدِ بُشْرَى قَصَائِمُ
فَوَاطِمُ رَبَّاتِ الْخُدُورِ الْعَقَائِلُ
- (٢٥) مَطَاعِيمٌ فِي الْبُؤْسَى مَطَاعِينَ فِي الْوَغَى مَنَاطِقُ مِنْ مِنْهُمْ رَقَى الْعَرْشَ أَلْبَغُ
وَمَنْ وَصَلَ الْعَافِي فَأَثَرِي وَ بَلَا مُجِيرُونَ مَنْ يَلْجَأُ مُبِيرُونَ مَنْ طَغَى
بِهِمْ أَنْعَشَ الْإِيْتَامُ عِشْنَ الْأَرَامِلُ
- (٢٦) إِذَا نَدَوَ التَّقْرِيزُ غَصَّتْ بِأَهْلِهَا وَطَافُوا عَلَى جَزَلِ الْقَوَافِي وَسَهْلِهَا
فَهُمْ مِنْهَلٌ لِلْعَلِّ مَوْرِدُ نَهْلِهَا لَهُمْ انصَتَّتْ كِي لَا تُسَامَ بِجَلِهَا
بِأَعْطَافِهِمْ غُصْنُ اللَّغَى مُتَهَادِلُ
- (٢٧) إِذَا عَقَدُوا أَوْفُوا وَإِنْ وَعَدُوا وَفُوا وَإِنْ وَدَّأَ أَصْفُوا وَإِنْ هَمَّدُوا نَفُوا
وَإِنْ سَبَلُوا وَفُوا وَإِنْ سُلُّوا كَفُوا وَإِنْ أَقْبَلُوا صَفُّوا وَإِنْ قَبِلُوا صَفُّوا
فَمَا صَفْوَهُمْ قَدْ كَدَّرَتْهُ الْبَلَابِلُ
- (٢٨) وَكَمْ مِنْهُمْ قَرْمٌ لَدَى الْجَدْبِ أَمْطَرَا لُجَيْنًا وَعِقْبَانًا وَ دُرًّا وَجَوْهَرَا
وَلِلْصَيْفِ حَتَّى الطَّيْرِ لَا زَالَ مُؤَثِّرَا وَمَنْ نَفْسُهُ كَادَتْ (هَمَّتْ) تَقَرَّبُ لِلْقَرَى
وَعِنْدَ افْتِرَاسِ الْقَرْنِ كَيْثُ مُصَاوِلُ
- (٢٩) وَمَا مِنْهُمْ إِلَّا كَبِيرٌ مُعْظَمُ وَطُودٌ وَقُورٌ أَوْ أَمِيرٌ مُنْظَمُ
وَ رَاعِي كُظَامِ الْأَمْرِ لِلْغِيظِ يَكْظُمُ وَأَفْرَسُ خَيْالٍ وَ أَمْرُسُ شَيْظُمُ

وَأَشْرَسُ ذِيَالٌ وَ أَشْوَسُ بَاسِلٌ

(٣٠) وَأَنْعَمُ مِنْعَامٍ وَ أَكْرَمُ مُطْعِمٍ
وَأَغْوَسُ عَوَامٍ بَيْمٍ غَطْمَطِمٍ
وَأَقْوَمُ مَقْدَامٍ وَأَدْعَمُ مُدْعِمٍ
وَأَغْوَسُ فِي تِيَارٍ جَيْشٍ عَرَمَرَمٍ
عَلَى رُمَحِهِ مِنْهُمْ دَمُ الْقَلْبِ هَاطِلٌ (هَامِلٌ)

(٣١) أُولُو الْعِلْمِ وَ التَّقْوَى أُولُو الْفِكْرِ وَ النُّهَى
أُولُو الْجُودِ وَ الْجَدْوَى أُولُو الرَّأْيِ وَ الدَّهَى
أُولُو الذِّكْرِ وَ الدَّعْوَى أُولُوا النُّورِ وَ البَهَا
أُولُو السَّرِّ وَ النَّجْوَى إِلَى اللَّهِ وَ لَهَا
إِلَى غَيْرِهِ لَمْ تَوْمِ مِنْهَا الْأَنَامِلُ

(٣٢) تَوَاصُوا بِتَوْحِيدِ الْمَلِكِ الْمُهِمِينِ
وَلَمْ يَعْبُدُوا إِلَّا وَثَانَ طَرْفَةَ أَعِينِ
وَصِيَّةَ إِسْرَائِيلَ إِذْ قَالَ يَا بَنِيَّ
بِرَأْتِهِ إِبْرَاهِيمَ ذِي الْخُلَّةِ السَّنِي
بِهِمْ حَبَّتِ اللَّذَّةُ الْخِصَامَ الدَّلَائِلُ

(٣٣) وَصِيَّتَهُمْ فِي الْمَهْدِ مِثْلُ ابْنِ مَرْيَمَ
وَلَوْ أَنَّ شَيْطَانًا أَتَاهُمْ بِأَصْنَمٍ
إِلَيْهِ دَعَتْ بِالْعَيْنِ وَالْيَدِ وَالْفَمِ
رَمَتْهَا وَنَادَتْهَا اخْسَأِي لَا تَكْلَمِي
وَ كُلُّ لِقَوْمٍ خَاصِمُهَا (بَاهِلُهَا) مُبَاهِلُ

(٣٤) فَلَلَهُ شَبَابٌ لَهُمْ وَ الْمَشَاخِ
جِبَالُ الْمَعَالِي الرَّاسِيَاتُ الرُّوَاسِخُ
شَوَارِحُ أَسْفَارِ الْهُدَى وَ التَّوَاسِخُ
وَبَيْضُ الطَّلَاسِ شَمُّ الْأَنْوَفِ الشَّوَامِخُ
وَ حُمْرُ اللَّوَا أَسَدُ الْعَرِينِ الْبَوَاسِلُ

(٣٥) عَلِيُّ بْنُ مُوسَى غُرَّةُ لِحَبَاهِهِمْ
عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى طُرَّةُ فَوْقَ جَاهِهِمْ
عَلِيُّ بْنُ مُوسَى دُرَّةٌ فِي شِفَاهِهِمْ
عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُرَّةٌ لِمِيَاهِهِمْ
بِهِ لَهُمْ صِينُ الْحِمَى وَ الْمَعَاقِلُ

(٣٦) عَلِيُّ بْنُ مُوسَى زِينَةُ لِلْمُوحِدِ
عَلِيُّ بْنُ مُوسَى قُرَّةُ الْعَيْنِ فِي غَدِّ
عَلِيُّ بْنُ مُوسَى مُنِيَّةُ الْمُتَهَجِّدِ
عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بُلْغَةُ الْمُتَزَوِّدِ
إِذَا غَلَّتِ الْأَيْدِي وَرَضَ الْكَلَالِكِلُ

(٣٧) عَلِيمٌ حَبَاهُ اللَّهُ غَيْبَ الْعَوَالِمِ
أَبِي عَلَى مَنْ ضَامَ كُلَّ الْمَظَالِمِ
فَاعْلَامُهُ مَنْصُوبَةٌ فِي الْمَعَالِمِ
حَفِيٌّ بِحَلِّ الْعُقَدِ عَنْ كُلِّ عَالِمِ
إِذَا عَقَّدَتْ بِالْمَشْكَلَاتِ الْمَسَائِلُ

(٣٨) حَلِيمٌ عَلَى الْعَادِي عَلَيْهِ بِمَا هَذَا
بِأَحْسَنِ قَوْلٍ مِنْهُ يُنْشَرُ وَالشُّدَا

- فَإِنْ أَخَذَ الْحَقُّ الْهَدْيَ مِنْهُ مَا خَذَا وَ إِلَّا رَمَاهُ بِالْمَرْوَحِ فَأَنْفَذَا
وَحَابَتْ ظُنُونُ ظَنِّهَا وَ الْمَخَائِلُ
(٣٩) وَلَا يَقْصُ الْبَحْرُ الْعِطْمَ مَائُهُ إِذَا مَائُهُ طَلًّا مِنَ الرَّشْحِ سَائُهُ
وَلَا شَجَرًا سَامَى الْفُرُوعُ سَمَائُهُ غُثَاءٌ وَعَصْفٌ سِيمَ كُلِّ حَوَائِهِ
وَأَبٌ ذَوَى وَ اجْتَثَّ بِالْأَرْضِ وَاحِلٌ
(٤٠) فَيَا عُنْصَرَ قَدْ طَابَ مِنْهُ الْعُنَاصِرُ وَفِي الْأَمْرِ مَعْقُودٌ عَلَيْهِ الْخَنَاصِرُ
وَفِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ لِلدِّينِ نَاصِرٌ بُكُورًا كَذَا أَصَالُهُ وَالْمَعَاصِرُ
يَبِيتُ وَمَا عَيْنِيهِ بِالْغَمَضِ كَا حِلٌ
(٤١) وَلَمْ أَنْسَ إِذَا حَمَى أَصُولَ الْهَرَابِذِ وَهُمْ خُشَعٌ أَبْصَارَهَا وَالْمَوَابِذِ
وَأَطْفًا نِيرَانِ الْمَجُوسِ الْمُنَابِذِ فَرَزْدٌ وَوَسْتًا قَبْلًا كَفَّ نَابِذِ
وَقَامَتْ مِنَ الدِّينِ الْقَوِيمِ الْمَشَاعِلُ
(٤٢) بَلَى مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ لَنْ يَجِدَ الْهَدْيَ أَمَا تَقْرَأُ الْقُرْآنَ أَمِنْ وَاهْتَدَى
وَمَنْ بَرَسُولَ اللَّهِ أَمِنْ وَاقْتَدَى فَشَرَطَ الْهَدْيَ بَعْدَ النَّبِيِّ بِمَنْ بَدَا
فَلَا بَدَّ مِنْ مُسْتَحْفَظٍ هُوَ كَافِلٌ
(٤٣) صَدُوقٌ فَلَا يَبْكُوا عِلْمٌ أَوْعُ وَأَعْدَلُ لَا يَصْبُوا عَفٌّ وَأَشْجَعُ
فَهَذَا الَّذِي لِلْخَلْقِ فِي الْعَصْرِ مَفْرَعُ وَلَوْ أَنَّهُمْ رَدُّوا إِلَيْهِ وَأَجْمَعُوا
لَمَا كَانَ فِي الدِّينِ اخْتِلَافٌ وَ جَاهِلُ
(٤٤) فَسَلَّ مَنْ وَشَى مِنْ يُسْتَجَابُ دُعَائُهُ ءَأَنْتَ أَمِ الْمَعْقُودُ بِالشَّرِّكَ مَائُهُ
وَمَنْ صَجَّ مِنْهُ فِي الْبَسِيطِ دِمَائُهُ وَمَنْ دَيْنُهُ غِلْمَانُهُ وَ إِمَائُهُ
وَخَمْرٌ وَ فَحْشَاءٌ وَلَغَوٌ وَ بَاطِلٌ^١
(٤٥) طَوَاغَيْتُ هَذَا يَطْلُبُ الْمُلْكَ جَائِرًا وَذَلِكَ يُرِيدُ الْجَاهَ بِالْعِلْمِ أَمِيرًا
وَهَذَا بِجَهْلٍ يَتَّبِعُ الْغَمْرَ حَائِرًا وَذَا يُبْغِضُ الْأَطْهَارَ بَغْيًا وَغَادِرَ
كَذَاكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ وَ الدِّينُ رَاحِلُ
(٤٦) كَسُوا وَحْدَةَ الْإِسْلَامِ شَكْلًا مُرَبَّعًا نَفَوَا نَصَّ أَهْلِ الْبَيْتِ مُرْتَى وَمُسَمَّعًا

١. وخمرٌ وخميرٌ وهزلٌ وهازلٌ (نسخه بدل).

وَكَمْ لِمَوَاضِعِ الْأَحَادِيثِ مَنْ سَعَى

لِيَنْسَدَّ أَبْوَابَ النَّبَوَّةِ أَجْمَعَا

إِذَا فُتِحَتْ بَابُ لَهَا سَدُّ رَاكِلُ

(۴۷) وَصَوْنَعِ عِبَادُ الرِّيَاءِ قِبَالَهَا

وَصَنَاعُ زُهْدٍ يَحْتَدُونَ مِثَالَهَا

وَقَاضِي وَ مُفْتٍ قَدْ أَقِيمَا حِيَالَهَا

لِيَسْتَبْدِلُوا مَا لِلرُّسُولِ بِمَالَهَا

فَتِلْكَ فُرُوضُ أَنْكَرُوا وَ نَوَافِلُ

(۴۸) فَحَمْدًا لِرَبِّ قَدْ هَدَانَا إِلَى الرِّضَا

وَأَبَائِهِ الْعُلِيَّا وَ أَنْبَاءِهِ الْوُضَا

أُتْمَةً دِينٍ أَكْمَلَ اللَّهُ وَ ارْتَضَى

فَمِنْ غَائِبٍ يُرْجَى وَ مِنْ ظَاهِرٍ مَضَى

لَهُمْ شَهِدَتْ ثَوْرَاتُهُ وَ الْأَنْجِلُ

(۴۹) وَهُمْ يَرِثُونَ الْأَرْضَ إِذْ دَارَتْ الرِّحَى

بِذَاكَ زَبُورُ اللَّهِ وَ الْذِكْرُ مَرَّحَا

سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَنْ تَوَلَّى وَ تَسْمَحَا

بِرَجْعَةِ عَبْدٍ كَانَ فِي اللَّهِ أَصْلَحَا

مَجَالٌ شَدِيدٌ حَارٌّ فِيهِ الْمَجَادُ

(۵۰) إِذَا ازْدَلَّتْ فِي شَهِدٍ عَظَمَاتُهُ

وَ أَحْضَرَ فِي أَرْضٍ سَوَى حِكْمَاتِهِ

وَمِنْ كُلِّ فَجٍّ جَاءَهُ عِلْمَاتُهُ

فَهُمْ أَرْضُهُ فِي الْفَضْلِ وَ هُوَ سَمَاتُهُ

بَلَى وَحْدَهُ كُلَّ الْبَرِيَّةِ شَامِلُ

(۵۱) وَ أَيْنَ مِنَ الْفُسْلَانِ عَذْقُ مَرْجَبُ

أَوْ الذَّهَبُ الْإِبْرِيْزُ فِطْرُ مَذْهَبُ

أَوْ الْأَحْوَصُ الْأَعْشَى مِنَ النَّجْلِ أَهْدَبُ

وَرَأْسِي وَ نَاصَاةُ ذُنَابِيْ وَ مَذْنَبُ

أَوْ النَّزْلَجِيُّ أَوْ الطَّلُّ وَابِلُ

(۵۲) بَلَى إِنَّ مَنْ إِيَّاهُ سَوَى لَغِيْرِهِ

عَلَى أَهْلِهِ قَدْ سَدَّ أَبْوَابَ خَبْرِهِ

وَمِنْ جَدِّهِ أَلْوَى بِأَجْدَلِ طَيْرِهِ

وَلَا مَازَ شَهِدَ النَّفْعَ مِنْ صَاحِبِ ضَيْرِهِ

سَوَاءٌ عَلَى هَذَا صَدِيقُ وَ خَاتِلُ

(۵۳) وَمَا كُلُّ مَنْ مَدَّ النَّسُوعَ وَ شَدَّهَا

وَ خَشَّ الْبَرَى حَتَّى يُسَدَّ مَسَدَهَا

كَمْ بَلَّغَ الْأَعْضَادَ طَوْلًا أَشَدَّهَا

وَ بِالْعِلْمِ رُوَادَ الْعُلُومِ أَمْدَهَا

فَمَاذَا نُسُوعَ أَوْ بَرَى أَوْ جَمَائِلُ

(۵۴) لَوْ أَنَّ قَضَايَا الدَّهْرِ أَظْلَمَ يَوْمُهَا

وَ كَعَّ حَسِيرَ الطَّرَفِ عَنْهُمْ قَوْمُهَا

وَمَا لَأَبْصَارِ الْبَصَائِرِ نَوْمُهَا

وَ رَنَّ بِأَذَانِ الْمُقْلِينَ لَوْمُهَا

هُنَا انْحَزَ مُمْتَازًا وَفِيْ وَمَاطِلُ

(٥٥) فَيَا قُبَّةَ الْعِزِّ الَّتِي رَاقَ تَبْرُهَا كَأُلُوحِ مُوسَى إِذْ تَلَاهُنَّ حَبْرُهَا
وَقُبَّةَ رُمَانٍ بِهَا حَفَّ خَبْرُهَا فَدَرَّتْ يَدُ الْبَانِي وَقَبَّلَ شِبْرُهَا

بِكَاسٍ مِنَ الْعِيقَانِ فِيهَا سَلَسِلُ

(٥٦) عَلَى حَرَمِ اللَّهِ الْمَنِيعِ الْمُؤَسَّسِ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَذِكْرِ الْمَقْدِسِ
لِيَذْكُرَ فِيهِ إِسْمَ الْمُهَيْمِنِ إِذْ نَسِيَ بِشُكْرِ وَغُفْرِ مُؤْمِنٍ وَامْرِئٍ سَيِّئِ

فَيَثْقُلُ حَفٌّ أَوْ يُخَفَّفُ ثَقْلُ

(٥٧) ضَرِيحٌ بِهِ جِسْمٌ لِرُوحٍ مُهْدَبٍ بِهِ رُوحٌ عَلِيَّينَ يُكْسَى وَ يَجْتَبَى
وَنَبِيٌّ نَبِيُّ اللَّهِ مِنْ لَمْ يَكْذَبَ سَتَدْفَنُ فِي طُوسِ الْعُلَا بِضْعَةَ النَّبِيِّ

إِلَيْهِ يَشُدُّ الرَّحْلَ رَكْبٌ وَدَاجِلُ

(٥٨) فَمَنْ زَارَهُ شَوْقًا وَ يَعْرِفُ حَقَّهُ لَقَدْ وَرِثَ الْفِرْدَوْسَ وَهُوَ اسْتَحَقَّ
وَبَرَّ رَسُولَ اللَّهِ بِالْبِرِّ صَدَقَهُ وَوَفَاهُ حَرًّا أَعْتَقَ اللَّهُ رَقَّهُ

تَشُدُّ لَهُ بِالْعَبْقَرِيِّ الْمَحَامِلُ (الرَّحَائِلُ)

(٥٩) فَلِلَّهِ آيَتُهُ وَشَطَطُ بِهِ النَّوَى رَجَالًا وَرُكْبَانًا عَلَى الدِّينِ لَا الْهَوَى
فَيَكْشِفُ عَنْهُمْ عِنْدَ مَرْقَدِهِ الْجَوَى وَأَشْبَعُ طَاوِبِهِمْ وَصَادِيهِمْ ارْتَوَى

وَلَمْ تَشْكُهُمْ أَفْرَاسُهُمْ وَ الرَّوَاحِلُ

(٦٠) إِذَا مَا حَدَى الْحَادِي إِلَيْهِ جِمَالَهُمْ وَهَزَّ الْحُدَّ أَعْطَافَهُمْ وَجَمَالَهُمْ
وَنَادَى نِسَاءَ الْحَيِّ ثُمَّ رَجَالَهُمْ بَأَنَّ ابْنَ مُوسَى فِي الْخَطَايَا أَقَالَهُمْ

خَدَتْ عَيْسُهُمْ شُكْرًا فَتَيُّ وَبَازِلُ

(٦١) أَلَا أَيُّهَا الْمَوْلَى الَّذِي هُوَ مَفْرَعِي مِنْ السَّقَمِ الْمُضْنِي لِقَلْبِي وَأَضْلَعِي
أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِي بِقَبْرِكَ فَاسْمَعِ مَدِيحِي وَ إِقْبَلْهُ وَصِلْنِي وَ أَسْرِعِ

فَقَدْ قِيلَ خَيْرُ الْخَيْرِ مَا هُوَ عَاجِلُ

نجزت القصيدة بحمد الله و فضله في محرّم الحرام (١٣٦٢) على يد منشيها محمد صالح بن فضل الله الحائري المازندراني في المشهد المقدّس الرضوي على صاحبه صلوات الله و رحمته وبركاته.

شكرية على الشفاء والعافية

- (١) شكراً لربّي و مَنْ حَلَّ السَّنا بَادِ
- (٢) على شَفَائِي مِنْ سَقَمٍ يَذِيبُ ضَنّاً
- (٣) أَتَيْتَ مشهده مستشفياً فشفى
- (٤) حمداً لربّ رضاه في رضاه على
- (٥) قد كُنْتُ إِن نَمْتُ كالمذبوح مضطرباً
- (٦) فزِرتُهُ فَأَرَانِي اللَّهَ عَافِيَتِي
- (٧) مَنْ اغْتَدَى منكِراً زُلْفَى أَبِي الحَسَنِ
- (٨) فديتُ شَبَاكَ فُولاذِ أَقَامَ لَهُ
- (٩) حَقَّتْ ملائكة العرش المجيد به
- (١٠) لِلَّهِ قَبْرٌ ثَوَى فِيهِ إمام هدى
- (١١) يَا قَبْرَ طُوسٍ سَقَاكَ اللَّهُ رَحْمَتَهُ
- (١٢) ضَمَنْتَ خَيْرَ الْبَرَايَا وَابْنَ خَيْرَتِهِ
- (١٣) مِنْ عَصَبَةٍ حَيْهَمُ حُرٌّ وَ مَيْتَهُمُ
- (١٤) مِنْ كُلِّ أَرْوَعٍ قَرَمٌ زَانَهُ شِمَمُ
- (١٥) أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَ إِثْنَى عَشْرَةَ حُجْباً
- (١٦) سَلَمًا لِسَلَمِهِمْ حَرَبًا لِحَرْبِهِمْ
- (١٧) فِي كُلِّ عَصْرِ لَنَا مِنْكُمْ إِمَامٌ هَدَى
- (١٨) حَتَّى مَتَى يَزْهَرُ الحَقُّ المُنِيرُ بِكُمْ
- (١٩) سَيُظْهِرُ اللَّهُ مِنْكُمْ غَيْبَ حُجَّتِهِ
- (٢٠) وَ فِي قُبُورِكُمْ أَجْرٌ وَ مَغْفِرَةٌ

- سَلِيلَ مُوسَى عَلِيّاً بِالرَّضَا سَادَا
كُلِّيَّ وَ طَحِلًا وَ أَحْشَانًا وَ أَكْبَادَا
عَلَيْهِ أَشْهَدْتُ أَعْضَادًا وَ أَشْهَدَا
بُرْءٍ بِهِ الرَّبُّ وَ المَرْبُوبُ قَدْ جَادَا
أَوْ قُمْتُ كَالْغُصْنِ مَيْلًا وَ مَيْدَا
بِهِ وَ كُلُّ طَبِيبٍ بِالرَّدَى نَادَى
الرَّضَا لَدَى اللَّهِ عَنِ دِينِ الْهُدَى حَامَا
رَبِّي وَ قُبَّةَ عِقْيَانٍ لَهُ شَادَا
وَ الرُّسُلُ وَ النَّاسُ أَزْوَاجًا وَ أَفْرَادَا
أَعْنَتِ الْمَلَّةَ الْبَيْضَاءُ قَدْ قَادَا
مَاذَا ضَمَنْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مُرْتَادَا
وَ زَادَكَ اللَّهُ خَيْرَ الْخَيْرِ فَازِدَا
طَهْرٌ يَدُومُونَ أَحْرَارًا وَ أَمْجَادَا
وَ كُلُّ أَمْنَعٍ عَنِ دِينِ الْهُدَى وَادَا
أُتْمَةً سَادَةً عَالِينَ أَجْوَادَا
عَبْدًا مُطِيعًا لَهُمْ لِلَّهِ مُنْقَادَا
فَرَبْعُهُ أَهْلُ فَضْلًا وَ إِرْشَادَا
فَالْحَقُّ فِي غَيْرِكُمْ قَدْ بَارَ أَوْ بَادَا
وَلَيْسَ يَخْلَفُ مِيثَاقًا وَ مِيعَادَا
فَقُطِفَ بِهَا وَ تَزَوَّدَ مِنْهُمَا الزَادَا

ارتجلها مُنْشِئُهَا الْأَقْلَ الحائري محمد صالح بن فضل الله المازندراني الشهير بالعلامة، في صفر
الخبر المظفر في المشهد الرضوي (عجله) (١٣٦٢).